



مؤلفه‌های خوش‌سیرتی مدیران در سازمان از منظر قرآن کریم*

عزیزالله شیخ‌زاده*

چکیده

پرداختن به مؤلفه خوش‌سیرتی مدیران در سازمان به دلیل تأثیر مستقیم مدیران در عملکرد کارکنان دارای اهمیت است. لذا در سازمان، کارکنان به عنوان یک جامعه مورد مطالعه، دارای ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأیید، هستند که نقش بسیار مؤثر در عملکرد افراد در سازمان دارد. از طرفی با توجه به تأثیر رفتار مدیران بر عملکرد کارکنان، خوش‌سیرتی مدیران و اعتماد کارکنان به مدیران، نقش مؤثری بر کارایی و بهره‌وری منابع انسانی و بالتبع بهبود نتایج در سازمان‌ها دارد. در این تحقیق با استفاده از منابع مطالعات گذشته و با روش توصیفی تحلیلی، به مطالعه مؤلفه «خوش‌سیرتی» در مدیران سازمان‌ها پرداخته و آن را از منظر قرآن کریم مورد مطالعه قرار گرفته است و با توجه به نتایج آن مؤلفه‌هایی همچون امین و امانت‌داری، بی‌توجهی به دنیا و ریاست، علم و حکمت، گذشت و مدار، مراقبت در همه امور، راستی و درستکاری، آرامش و شرح صدر، وجدان اخلاقی، عدالت، تقوا، وفای به عهد، تصمیم‌گیری عاقلانه (مشورت)، حسن خلق و تواضع، بردباری و شکیبایی (صبر) و ایمان به دست آمد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، خوش‌سیرتی، مدیر، سازمان.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۹/۱۴

* دانش‌آموخته دکتری قرآن و مدیریت، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث:

azizullahsh@gmail.com



مقدمه

مدیریت به معنی به‌کارگیری تمامی توان و استعدادها و ظرفیت‌های مادی و معنوی و فردی در جهت تحقق اهداف موردنظر است و داشتن مدیرانی سالم و کارآمد، در گرو ویژگی‌های اخلاق است. اخلاق مدیران بحثی جزئی‌تر و خاص‌تر از خود اخلاق است. مدیریت مدیران نیاز به لوازمی دارد که مهم‌تر از اخلاق مدیریتی است. اخلاق ستون و ساختمان مدیریت است. انضباط کاری، مهرورزی، دادورزی، معاشرت سازنده، مشاورت، تواضع، وفای به عهد، خدمت‌گزاری، مدارا از جمله شیوه‌های مطلوب اخلاقی مورد تأکید اسلام در مدیریت سازمان‌ها محسوب می‌شود که جهت تحقق آن‌ها تدوین منشور اخلاقیات و عملی ساختن آن در سازمان‌ها ضروری است. در این راستا با ایجاد ضمانت‌های اجرایی و نهادینه کردن رفتار اخلاقی در سازمان می‌توان اخلاقیات و اصول اخلاقی را در سازمان تقویت کرد که در صورت تحقق این امر کاهش تبعیض، بی‌عدالتی، نارضایتی، افزایش روحیه سازمانی و تعهد کارکنان از یکسو، رشد و تعالی انسان‌ها، بالندگی سازمان‌ها و پیشرفت جامعه را از سوی دیگر موجب خواهد شد.

در شرکت‌ها برای تحکیم، نظام اخلاق و اجرای آن در سازمان، راهکارهای تدوین کدهای اخلاقی، استفاده از گروه‌های مشاوره، آموزش اخلاق و ارزیابی عملکرد و اجرای نظام تنبیه و پاداش پیشنهاد می‌شود (الوانی، ۱۳۸۳). سازمان‌ها در برنامه‌های اخلاقی خود، به اطاعت‌پذیری کارکنان از مدیران، قوانین و دستورالعمل‌های مدیریتی تأکید می‌کنند (ابطحی، ۱۳۸۲).



کلیات و مفاهیم

اخلاق

کلمه اخلاق فقط در دو سوره از قرآن و به صورت مفرد آن یعنی «خُلِقَ» بکار رفته است، لازم به ذکر است که اخلاق جمع دو کلمه «خَلَقَ» و «خُلِقَ یا خُلِقَ» می‌باشد. آنچه در علم اخلاق بحث می‌شود کلمه «خُلِقَ» است و تفاوت دو کلمه «خَلَقَ» و «خُلِقَ» به صورت زیر است: خَلَقَ یعنی شکل ظاهری انسان، بعد جسمانی و صورت انسانی که این بُعد از اخلاق، غیر اختیاری و غیر قابل تغییر است و در دست خود آدمی نمی‌باشد. خُلِقَ یا خُلِقَ یعنی شکل یا حالت نفسانی و صفات معنوی و باطنی، سیرت و خوی آدمی که این بُعد از اخلاق، قابل تغییر و تبدیل و در اختیار انسان می‌باشد و در علم اخلاق نیز این بعد مطرح است که در دو جای قرآن یعنی در سوره شعراء و سوره قلم بکار رفته است که مراد از آن در سوره مبارکه شعراء، «ان هذا الا خُلِقَ الاولین» (شعراء / ۱۳۷) اخلاق نکوهیده می‌باشد، در صورتی که «انک لعلی خُلِقَ عظیم» (قلم: ۴) مراد، «اخلاق حمیده» می‌باشد که خداوند پیامبر اکرم را با آن وصف می‌کند. لازم به ذکر است که اگرچه خود اخلاق در دو مورد از قرآن به کار رفته است، اما مفاهیم اخلاقی، چه اخلاق خوب و چه اخلاق زشت، در سرتاسر قرآن، با بیان‌های مختلف واضح و روشن است.

مدیریت

برای مدیریت تعاریف متعدد و مختلفی بیان شده است که در زیر چند نمونه از این تعاریف بیان می‌شود: هنر اداره مجموعه امکانات و استعداد‌های مادی و معنوی در یک سازمان را، بر اساس آگاهی‌های مناسب، به خاطر بهتر رسیدن به هدف را مدیریت گویند (تقوی دامغانی، ۱۳۶۸: ۱۸).

یکی دیگر از اندیشمندان در تعریف مدیریت می‌نویسد: مدیریت فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۹۱: ۴۷).

مدیریت در اسلام (که رهبری، حالتی خاص از آن است)، بر اساس طرح و برنامه‌ای سازگار با مبانی اسلام و به سوی اهداف اسلام پسند است که در رأس همه آن‌ها، قرب الهی قرار دارد و در این راستا، وسیله و کیفیت برخورد با افراد نیز باید مطابق موازین اسلامی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۵).

با توجه به تعاریف مدیریت؛ مدیر، کسی است که سازمان را اداره و مدیریت می‌کند.

خوش‌سیرتی

در زمان گذشته مطالعه‌ی سیرت که به آن «فضیلت» یا «فضایل اخلاقی» نیز گفته می‌شد، با کم‌توجهی مواجه بوده است (نصر اصفهانی و شکرچی‌زاده، ۱۳۹۵، شماره ۱: صص ۱۵۶-۱۵۷). فضیلت و سیرت دو بخش جدایی‌ناپذیرند و سیرت، قلب اخلاقیات در سازمان است، به‌گونه‌ای که فلاسفه یونان (مثل ارسطو)، سیرت را مرکز اصلی رفتارهای اخلاقی قلمداد می‌کردند و معتقد بودند افرادی که سیرت نیکو دارند تقریباً همیشه مطابق با سیرت خود عمل می‌کنند، از این رو افرادی که سیرت نیکو ندارند، در شرایطی که تحت نظارت و کنترل باشند، صداقت بیشتری داشته و زمانی که کنترلی بر اعمال آن‌ها نباشد، رفتاری نادرست و به دور از صداقت دارند، به این ترتیب زمانی که موقعیت اجتماعی مبهم باشد، افراد به قضاوت‌های خود تکیه می‌کنند درحالی که در موقعیت اجتماعی قوی، قضاوت افراد به حداقل می‌رسد.



به‌طور مشخص اغلب تعاریف سنتی از سیرت، به‌طور معمول شامل هر دو بعد اخلاقی و اجتماعی هستند. سیرت بیانگر آن است که چگونه فرد در تنهایی و بدون حضور دیگران عمل می‌کند (عابدی شریانی و همکاران، ۱۳۹۴، شماره ۲۳: ص ۱۱۰).

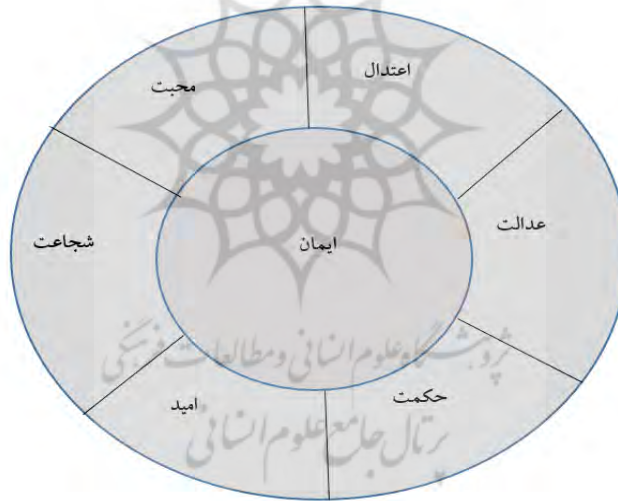
داشتن سیرت زیبا در مباحث مدیریت و رفتار سازمانی نیز در مبحث «مدیریت برداشت» مورد توجه قرار گرفته است. مدیران تلاش می‌کنند تصویری از خود ارائه دهند که فردی مهم، شایسته و دارای کنترل بر رویدادها هستند (نصر اصفهانی و شکرچی‌زاده، همان، ص ۱۵۶-۱۵۷).

مدیریت برداشت، رشته‌ای در روانشناسی اجتماعی است که به مطالعه این امر می‌پردازد که افراد چگونه خود را به دیگران معرفی می‌کنند تا در نظر دیگران مساعد و مطلوب جلوه کنند؛ به عبارت دیگر، مدیریت برداشت، یعنی واداشتن دیگران به اینکه به ما با شیوه‌ای خاص توجه کنند (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴، شماره ۴: ص ۶۵۸).

رهبران خوب، افرادی هستند که علاوه بر اینکه شایستگی‌های اخلاقی دارند قادرند، کارهای درست را انجام دهند؛ به عبارت دیگر رهبران اثربخش دارای سیرت نیکو و صلاحیت انجام وظایف هستند. در مقابل رهبرانی که از لحاظ اخلاقی سیرت نیکو و پسندیده نداشته و صلاحیت و شایستگی انجام وظایف را ندارند، وانمودکنندگانی بیش نیستند. در برابر این گروه، رهبرانی قرار دارند که اصول اخلاقی و سیرت پسندیده ندارند، اما دارای صلاحیت و شایستگی لازم می‌باشند که درواقع رهبرانی رذل تلقی می‌شوند؛ از این رو می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رهبران خوب، داشتن سیرت نیکوست.

مشاوران و صاحب‌نظران در زمینه موضوع رهبری (۲۰۱۰) الگویی برای سیرت رهبران ارائه داده‌اند. این مدل که با مطالعه رفتار رهبران سنتی و متفکران یونانی و رهبران قرون ابتدایی به دست آمده است، بیانگر آن می‌باشد که سیرت رهبران شامل هفت جزء ایمان، عدالت،

اعتدال، امید، حکمت، محبت و شجاعت است. ایمان به مجموعه‌ای روشن از ارزش‌های اصلی مثبت که از راه اقدام‌های رهبری نمایش داده می‌شود و عدالت بر انجام کارهای درست حتی هنگامی که مشکل و پرهزینه است و پرورش مسئولیت‌پذیری شخصی و تیم اشاره دارد. اعتدال بر فروتنی شخصی، عشق و شور و خودکنترلی و امید بر بیان آینده‌ای روشن، به‌ویژه هنگامی که رویدادهای فوری غمناک‌کننده می‌باشند، تأکید دارد. حکمت بیانگر دانش و تجربه انباشته‌شده در شرایط کنونی، محبت نشان‌دهنده نگرانی واقعی، مراقبت و دلسوزی نسبت به افراد و شجاعت نشان از استفاده جسورانه از فرصت‌ها و برخورد با چالش‌ها می‌باشد. در شکل ۲ مدل سیرت رهبران نمایش داده شده است.



شکل ۲ مؤلفه‌های سیرت نیکو

رهبران مؤثر با شش فضیلت اصلی شامل حکمت و دانش (خلافت، کنجکاوی، تفکر انتقادی، عشق به یادگیری، چشم‌انداز)، شجاعت (شجاعت، صداقت، پشتکار، خوش-برخوردی) (انسانیت) (محبت، عشق، هوش اجتماعی)، عدالت (عدالت، رهبری، شهروندی)



اعتدال (بخشش، تواضع، احتیاط، خودکنترلی) و تعالی (قدردانی از زیبایی، قدرشناسی، امیدواری، طنز، معنویت) شناخته می‌شوند (نصر اصفهانی و شکرچی‌زاده، همان، ص ۱۵۶-۱۵۹). به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها فراتر از زمان و فرهنگ بوده است و ارتباط مشخصی بین مؤلفه‌های سیرت نظیر معنویت، بخشش، تواضع، قدردانی، رغبت، امید و مهربانی با رفاه وجود دارد. در این مقاله برای سنجش سیرت نیکو از مؤلفه‌های هفتگانه صداقت، شجاعت، تواضع، حکمت، شور و اشتیاق، غم‌خواری و شوخ‌طبعی استفاده شده است.

سیرت، همان خلق و خو است و خلق خو جنبه‌ای از شخصیت نسبتاً پایدار انسان از لحاظ اخلاقی و اجتماعی است؛ از این رو نمی‌توان رفتار و کردار افراد را جدا از سیرت آنان مدنظر قرارداد (عابدی شریبانی و همکاران، همان، ص ۱۱۰).

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به اینکه سرنوشت جوامع و افراد به نوع و شیوه مدیریت مدیران بستگی دارد و از آنجایی که مدیران و رهبران جوامع در رأس سیستم حکومت و اداری نهادها قرار دارند، از توانایی‌ها و اختیاراتی برخوردارند و نقش مهمی در اصلاح یا افساد جوامع دارند، بنابراین موضوع مدیریت اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و از منظر قرآن یک مدیر باید مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات را داشته باشد تا بتواند به نحو مطلوبی یک جامعه یا یک سازمان را مدیریت کند.

اهمیت متخلّق بودن مدیران از جهت نقش الگویی و تأثیر تصمیم‌گیری آن‌ها در سازمان است. مدیران غالباً الگوی کارمندان قرار می‌گیرند. اخلاق فردی آن‌ها می‌تواند موجب ترویج اخلاق در فرهنگ سازمانی باشد و رفتارهای غیراخلاقی آن‌ها در زندگی شخصی، سبب ترویج ضداخلاق در سازمان می‌شود؛ به همین دلیل اخلاق‌ورزی در زندگی شخصی مدیران نقش اساسی دارد. خلُق و خوی نیکو یا همان سیرت نیکو به عنوان قلب اخلاقیات، جایگاهی



ویژه در انتخاب مدیران دارد. امروزه در دانش مدیریت این نکته مطرح است که اساس مدیریت مبتنی بر توجه و عنایت به ارزش‌های اخلاقی است؛ یعنی مدیریت را بدون این مفاهیم اساسی نمی‌توان در نظر گرفت. بی‌تردید خوش‌سیرتی در اسلام، به‌خصوص برای مدیر اهمیت فراوانی دارد؛ چرا که صفاتی مانند: معرفت، عدالت، سخاوت، شجاعت، عطف و مهربانی، راستی و درستی، عزت‌نفس و مناعت، حسن‌خلق، شرح‌صدر، پابندی به عهد و پیمان، عدم-احتجاج، برپاداشتن حق و عدل و دلسوزی، اعتدال، ایمان، حکمت، امید، تواضع، شور و استیاق و .. هر یک مظهري از مظاهر این جمال و زیبایی پایدار هستند و از عوامل مؤثر موفقیت در زندگی سازمانی به شمار می‌آیند.

مؤلفه‌های خوش‌سیرتی مدیران

برخی مفاهیم اخلاقی مدیر که در سرتاسر قرآن با بیان‌های مختلف، واضح و روشن به آن اشاره شده است به شرح زیر می‌باشد:

۱. ایمان

در اسلام مدیریت به خودی خود یک مظهر مادی از حاکمیت نیست بلکه نماینده حاکم دیگری است. مدیریت بر اساس موقعیت قبیله‌ای یا مالی اعطا نمی‌شود بلکه اعتقاد و ایمان شرط آن و پیاده کردن آن اعتقاد در عمل است و از دیدگاه قرآن مردمی که این قدرت به آن‌ها واگذار می‌شود مردمی صالح هستند همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون»؛ (انبیاء / ۱۰۵) البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.



«وَعَدَاللّٰهِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ (نور/ ۵۵) خداوند به کسانی از شما ایمان آورده و کار شایسته نموده‌اند وعده داده که وراثت زمین را بدیشان سپرد آنگونه که در گذشته نیز چنین بود.

در جمله «وَعَدَاللّٰهِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» کلمه «من» تبعیضی خواهد بود نه بیانی، و خطاب در آن، به عموم مسلمین است که در میان آنان، هم منافق هست و هم مؤمن، و مؤمنین ایشان نیز دو طایفه‌اند: یکی کسانی که عمل صالح می‌کنند و گروه دیگر آنان که عمل صالح ندارند، البته وعده مخصوص کسانی است که هم ایمان دارند و هم اعمال صالح. (طباطبائی، ج ۱۵، ص ۲۰۹)

البته در برخی تفاسیر دیگر، از خطاب ظاهر آیه نسبت به اهل ایمان و عمل صالح عدول کرده و آن را مخصوص پیامبر و اصحاب ایشان می‌دانند. (مغنیه، ج ۵، ص ۷۱۲)

ضعف ایمان، علت اصلی نادیده گرفتن فرمان‌های الهی است. اگر انسان، خدا را حاضر و ناظر بداند و دادگاه بزرگ الهی را در قیامت با چشمان قلب خویش مجسم نماید، هرگز حدود الهی را نمی‌شکند و از مرزها تجاوز نکرده و آلوده شهوات و مفاصد اخلاقی نمی‌گردد. افراد باایمان از آن چنان مقام و مرتبه‌ای برخوردار شده‌اند که در مسیر کمال فقط خدا در نظر آن‌ها بزرگ است و جز خدا در نظر آن‌ها همه کس و همه چیز کوچک است، ایمان مهم‌ترین نشانه افراد در مسیر عبودیت است.

۲. بردباری و شکیبایی (صبر)

شکیبایی و صبر در امور مدیریتی از شاخصه‌های برجسته و کارآمدی است که ثمرات فراوانی بر آن بار می‌شود. مدیری که با صبر و حوصله کافی به امور می‌پردازد، به نتایج صحیح و کافی می‌رسد و در نتیجه سایر همکاران خود را به سختی نمی‌اندازد. قرآن کریم شاخصه

بزرگ امامان حق و هدایت‌کنندگان به راه درست را، صبر و شکیبایی برمی‌شمارد و می‌گوید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»؛ (سجده / ۲۴) و از آنان امامان و پیشوایانی قراردادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند.

در اینجا رمز پیروزی و شرط پیشوایی و امامت را دو چیز شمرده: یکی ایمان و یقین به آیات الهی و دیگری صبر و استقامت و شکیبایی. (مکارم شیرازی، ج ۱۷، ص ۱۶۶)
«لَمَّا صَبَرُوا» پس تو و فرزندان صبر کنید تا از شما نیز امامانی قرار دهیم. (سلطان علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۴۱۱).

در اینجا جا دارد مدیران بدانند کلید بسیاری از موفقیت‌ها در کارهای مدیریتی، به‌ویژه در برخورد با مردم، صبر و شکیبایی است، تا بتوان به خوبی مسئولیت‌ها را به سامان رساند.
خداوند در سوره عصر می‌فرماید: «وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ (عصر / ۱-۳). سوگند به عصر همانا انسان در زیانکاری است مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق و شکیبایی سفارش کردند.

مدیر نمونه در نظام اسلامی فردی صبور و شکیباست زیرا صبر از ارکان دین است: «وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»؛ (لقمان / ۱۷) خداوند صابران را دوست دارد.

مسلم است که در همه کارهای اجتماعی مخصوصاً در برنامه امر به معروف و نهی از منکر، مشکلات فراوانی وجود دارد، و سود پرستان سلطه‌جو، و گناهکاران آلوده و خودخواه، به‌آسانی تسلیم نمی‌شوند، و حتی در مقام اذیت و آزار، و متهم ساختن آمران به معروف و ناهیان از منکر برمی‌آیند که بدون صبر و استقامت و شکیبایی هرگز نمی‌توان بر این مشکلات پیروز شد. (مکارم شیرازی، ج ۱۷، ص ۵۳).



وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ: و شکیبایی کن بر آنچه را که از مشقت‌ها و آزارها در این راه به تو رسد و این تفسیری است که از علی بن ابی طالب (ع) رسیده است. بعضی دیگر گفته‌اند که مقصود سختی‌های دنیا و مرض‌ها و دیگر ناراحتی‌هایی است که در دنیا متوجه انسان می‌شود. (طبرسی، ج ۱۹، ص ۱۸۳).

و نصرت را نصیب آن‌ها می‌گرداند: «بَلِ اِنْ تَصْبِرُوْا وَ تَتَّقُوْا وَ يَأْتُوْكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِيْنَ»؛ (آل عمران / ۱۲۵) نصرت و پیروزی را تنها در سایه صبر و شکیبایی میسر می‌داند و صابران را از هدایت و رحمت خود متنعم می‌سازد: «اُولٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ و اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُوْنَ»؛ (بقره / ۱۵۷) هدایت، درود و رحمت پروردگار را به صابران ارزانی می‌دارد.

۳. حسن خلق و تواضع

قرآن کریم در ستایش بندگان خداوند که بنده رحمت فراگیر خدا هستند، از فروتنی و تواضع آنان یاد می‌کند: «وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِيْنَ يَمْشُوْنَ عَلٰى الْاَرْضِ هَوْنًا وَاِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُوْنَ قَالُوْا سَلَامًا»؛ (فرقان / ۶۳) بندگان خداوند بخشاینده، آنانند که با تواضع و فروتنی در زمین راه می‌روند و چون به نادانان برخورد می‌کنند، با سخنان نرم و مسالمت‌آمیز سخن می‌گویند. امام صادق (ع) فرمود: منظور کسی است که بر طبیعت خویش حرکت کند و از تکبر خودداری نماید. برخی گویند: یعنی با حلم و دانش گام برمی‌دارند و در برابر جهل و خیره‌سری دیگران متانت خود را از دست نمی‌دهند. (طبرسی، ج ۱۷، ص ۲۲۲)؛ یمشون مشیا هینا یعنی می‌روند رفتنی به خواری و شکستگی و یا آنکه منصوب باشد بر حالتی ای هنین یعنی در حالتی که متواضع و متذلل باشند. (کاشانی، ج ۶، ص ۳۸۹).

مدیر باید دارای حسن خلق و تواضع و فروتنی باشد و با روی خوش و نیک و زبانی با مهر و محبت تبلیغ و ارشاد نماید چنانکه خداوند متعال هم پیامبر اکرم (ص) را بخصوص به این صفت در قرآن ستوده است: «انک لعلی خُلُقٍ عظیمٍ؛ تو ای پیامبر دارای خُلُقِ نیکو هستی» (قلم/۳).

۴. تصمیم‌گیری عاقلانه (مشورت)

قرآن کریم به جهت اهمیت مشورت، پس از آنکه به پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله، سفارش به نرمی و ملایمت می‌کند و او را از تندی و خشونت برحذر می‌دارد می‌فرماید: «وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل‌عمران/۱۵۹) برای آنان طلب بخشش کن و در کارها با آنان مشورت نما. هر مدیر و مسئولی که در کارها مشورت نماید پشیمان نمی‌شود زیرا خودرأیی و تکبر در امور باعث شکست انسان می‌شود.

وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ، و به ایشان مشورت کن در کار. و اصل «مشورت» استخراج رأی باشد (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۱۲۵)، روایت است که از حضرت پیغمبر (ص) پرسیده شد: عزم چیست؟ گفت: «مشاورة اهل الرأي ثم اتباعهم» (ابن کثیر) یعنی: با اهل رأی مشوره نمودن؛ سپس از آن پیروی کردن! (دیوبندی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۴۱۴).

در هرگونه تصمیم‌گیری باید اصل مشاوره را در نظر داشت خداوند متعال می‌فرماید: «والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلاة و امرهم شوری بینهم و ممّا رزقناهم ینفقون»؛ (شوری/۳۸) و آن‌ها که دعوت پروردگارش را اجابت می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند و کارهایشان از طریق مشورت در میان آن‌ها صورت می‌پذیرد و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.



۵. وفای به عهد

یکی از ویژگی‌های مدیر اسلامی بجا آوردن عقود و پیمان در مورد کارکنان است. امروزه مدیران به منزله الگوهای رفتاری هستند که هر عمل مثبت از طرف آن‌ها اثرات قاطع و انکارناپذیر در رفتار کارکنان زبردست دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»؛ (مائده/۱). ای اهل ایمان هر عهد که با خدا و خلق بستید البته به عهد و پیمان خود وفا کنید و بدانید که حیوانات علف خوار و زبان بسته برای شما حلال گردید.

بِالْعُقُودِ: جمع «عقد» به معنای پیمان. عقد و عهد هر دو به معنای پیمان است، ولی فرق میان آن‌ها از نظر لغوی در این است که عقد پیمان میان دو نفر است، ولی عهد اعم از آن است و شامل پیمان انسان با خودش نیز می‌شود. (سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۱۰۶)؛ جمهور مفسران بر آنند که: این خطاب بر عموم است، مؤمنان امت محمد را می‌فرماید - که عهدها و عقدها که با خدا و با خلق کنید وفا کنید و بسر برید. (مبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۵) همچنین قادر متعال می‌فرماید: «الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا»؛ (بقره/۱۷۷) نیکوکاران کسانی هستند که به عهد خود (هنگامی که عهد بستند) وفا می‌کنند.

۶. تقوا

خدای تبارک و تعالی همواره مؤمنین را امر به تقوا می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ»؛ (حجرات/۱۳) ملاک و معیار و ارزش انسان‌ها با تقوا بودن است. «وَأَنْ تَوَمِّنُوا وَتَتَّقُوا»؛ (محمد/۳۶) اجر بزرگی را به اهل تقوا وعده فرموده است در فرهنگ دینی، رکن اساسی اخلاق اسلامی تقواست و بدون آن، اخلاق و ایمان مفهومی ندارد و «لَا يَنْفَعُ



الایمانُ بِغَيْرِ تَقْوَى اَمَّا يَتَّقِبَلُ اللهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ (مائده/۲۷) همانا خداوند (اعمال نیک و صالح را) تنها از باتقویان می‌پذیرد.

در این آیه بیان شده که خدا نه تنها از شما چیزی نمی‌خواهد، بلکه اگر شما کار نیکی انجام دهید پاداش شمارا هم می‌دهد. البته شرط پاداش را ایمان و تقوا قرار داده است؛ یعنی اگر عمل شما با خدا ارتباط داشته باشد و شما باتقوا باشید، از شما می‌پذیرد و پاداش می‌دهد. (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۹، ص ۱۷۹)

رسیدن به سعادت ابدی، آرمان فطری همه انسان‌هاست ولی بیشتر آن‌ها در تشخیص راه سعادت، به اشتباه می‌روند، از دیدگاه اسلام، تقوای الهی، مرکب راهواری است که صاحب خویش را به سرمنزل سعادت می‌رساند. بنابراین انسان باتقوا کسی است که افکار، کردار و گفتار خویش را با معیار عقل و شرع تنظیم کند و هیچ کاری را بدون مشورت آن دو انجام ندهد و فرمان آن‌ها را نیز زیر پا نگذارد.

خداوند متعال در آیاتی همچون: ۲۷ کهف، ۷ آل عمران، ۱۳ مائده، ۱۴ مطفین و ۱۵۵ نساء، به بیان ویژگی‌های رهبران نالایق از منظر تقوا، می‌پردازد.

۷. عدالت

عدل در لغت به معنای میانه‌روی در کارها، حد وسط دو امر مخالف و متناقض، برابری و همسانی است (اتابکی، ۱۳۸۰: ۱۸). یکی از معانی مورد استناد از عدالت، رعایت استحقاق‌ها و عطا کردن به هر ذی‌حقی آنچه استحقاق آن را دارد. معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم شمارند همین معنی است. از نظر حکمای الهی مفهوم حقیقی عدل که هم درباره‌ی خداوند صادق است و هم درباره‌ی بشر همین است (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۳-۱۷).



خداوند در سوره نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»؛ (نساء/ ۵۸) خدا دستور مؤکد به شما می‌دهد که امانت مردم را به آنان برگردانید، و چون بین مردم داوری کنید به عدل حکم برانید، که خدا با اندرز خوبی شمارا پند می‌دهد چون او در هر لحظه شنوا و بینای کار شما است» به عدالت امر و تأکید نموده است.

بعضی گفته‌اند: روی سخن به حکومت‌ها است، چون علی علیه السلام فرمود: بر عهده‌ی امام و فرمانده است که حکم کند میان مردم به آنچه خدا فرو فرستاده است، و امانت مردم را به خودشان برساند، و چون به این وظیفه‌ی خود رفتار کند مردم موظف هستند که گفتارش را بشنوند و فرمانش را تن دهند، و چون برای کاری دعوت کند بپذیرند. (عاملی، ۱۳۶۰ش، ج ۳، ص ۴)

مدیران اخلاق مدار مسائل و امور مختلف را از سر انصاف و عدالت مورد توجه قرار می‌دهند. در جایی که قرار است با افراد مختلف به گونه‌های متفاوت رفتار شود، باید دلایل رفتار متمایز، معقول و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی مستحکم باشد.

۸. وجدان اخلاقی

نفس لوامه یکی از حالت‌های خوب نفس است و بعضی از علمای اخلاق آن را وجدان اخلاقی یعنی پلیس مخفی هم می‌نامند و حالتی است که بعضی از فضایل را کسب کرده و صاحب خود را در هنگام ارتکاب گناهان و مکروهات در این دنیا ملامت و سرزنش می‌کند و عظمت و شرافتی دارد که مورد قسم خداوند قرار گرفته و فرموده است: «وَلَا أُقْسِمُ بِالَّتَيْفِيسِ اللَّوَامَةِ؛ نه، قسم به نفس ملامتگر» (قیامت/ ۳) که نفس لوامه مؤمنین را در بهشت نیز سرزنش می‌کند که چرا برای رسیدن به درجات عالی‌تر کوشش بیشتری که می‌توانستند بکنند، نکردند.

بعضی از مفسرین گوید مقصود از نفس لوّامه این است که در قیامت هر کسی خواه مؤمن پرهیزکار باشد و خواه فاجر بدکار متأسف و پشیمان است مؤمن خود را ملامت کند که چرا بیش از این عمل خوب نکرده‌ام و در عمل نیک کوتاهی نموده‌ام و غیر مؤمن از کافر و منافق و فاسق خود را ملامت و سرزنش می‌کند که چرا بد کردم و روزگار خود را تباه گردانیدم. (امین، ج ۱۴، ص ۲۰۳ و ۲۰۴)

۹. آرامش و شرح صدر

یکی دیگر از اوصاف مدیران، شرح صدر است، که لازمه اصلی و رمز ماندگاری هر مدیری قلمداد می‌شود. زیرا با شرح صدر و آرامش، هم بهتر به مسئولیتی که پذیرفته است می‌رسد و هم با آرامش به امور مردم رسیدگی می‌نماید.

حضرت موسی علیه السلام از میان همه اوصاف اخلاقی که نیاز یک رهبر و پیامبر است، از خداوند شرح صدر را می‌خواهد: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه/۲۵)؛ خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، یادآور می‌شود. «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (انشراح/۱) آیا ما به تو گشادی سینه ندادیم؟، مراد از این آیه آن است که جریان رسالت و نبوت و هم‌چنین مبارزه با طاغوت و مدیریت جامعه و امت هر کدام نیازمند شرح صدر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: واژه تدبیر). *شرح صدر در علم مدیریت*

شرح صدر دارای مظاهر فراوانی است که در کارهای پرمسئولیت نیز ظهور و بروز پیدا می‌کند مانند: صبر و شکیبایی، شجاعت، اطمینان قلب، امید و خستگی‌ناپذیری و... امام علی علیه السلام در یک جمله کوتاه که مستقیماً به مدیران رده‌بالا ارتباط دارد می‌فرماید: «آلة الرياسة سعة الصدر؛ ابزار ریاست و مدیریت، سعه صدر است» (نهج البلاغه: حکمت ۱۷۶).

۱۰. راستی و درستکاری



صداقت، یکی از رمزهای موفقیتی است که برای زندگی فردی و اجتماعی انسان کارساز است. برای یک مدیر صادق بودن به معنای این است که آنچه را نمی‌تواند انجام دهد، قول ندهد، کژ رفتاری نکند، پشت واقعیت‌ها پنهان نشود، آنچه روابط را تیره می‌کند انجام ندهند. مدیران به سبب مسئولیتی که به آنان سپرده شده و با مردم سروکار دارند باید صداقت و راستی را سرلوحه خود قرار دهند تا ضمن جلب اعتماد مردم، به خوبی بتوانند کارها را به نتیجه مطلوب برسانند. در آیات و روایات بسیاری به مسئله صداقت اشاره شده و بر آن تأکید گردیده است، زیرا دروغ‌گویی آفت زندگی سالم، به‌ویژه مدیران است. در برخی از آیات پیامبران را به صادق بودن ستوده است. مثلاً حضرت اسماعیل علیه‌السلام را به صادق الوعد بودن یاد کرده: «وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»؛ (مریم/۵۴)، صادق الوعد بود یعنی به وعده‌اش وفا می‌کرد، اینکه انسان مالک سخن خویش باشد و به قول خود وفا کند، یکی از بهترین صفات و از علائم ایمان است، چنان‌که خلف وعده از صفات منافق است. (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۳۶)

و یا برای فرزندان یعقوب علیه‌السلام می‌فرماید: «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا»؛ (مریم/۵۰) و رحمت خودمان را به آنان بخشیدیم و برای آنان زبانی راست‌گو قرار دادیم.

۱۱. مراقبت در همه امور

مدیری که در تمام امور مواظبت و مراقبت داشته باشد، کمتر به خطا و اشتباه دچار خواهد شد و توجه و مراقبت باعث باز شدن راه‌های موفقیت دیگر نیز می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»؛ (انفال/۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر در کارها تقوا پیشه کنید و مراقبت داشته باشید، خداوند برای شما راه‌های جدایی حق از باطل را می‌گشاید.

فرقان علمی است که به آن امتیاز می‌دهید میان حق و باطل و این مرتبه از تقوا که ذکر شد کفاره گناهان صغیره است که کمتر کسی از آن‌ها مأموم است و احياناً از اشخاص باتقوا برای غلبه شهوت یا غضب یا غفلت یا عفت و شرم سر می‌زند. (تفسی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۵۲۵)

این مسئله از دو جهت قابل تأمل است: یکی مراقبت در امور خود و دیگری مراقبت در امور دیگران، چنانکه امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به مالک اشتر سفارش می‌فرماید: اکتفا به انتخاب مدیران زیردست صاحب تجربه نکن، بلکه علاوه بر آن برای مراقبت در کارها افراد صادقی را بگمار تا بتوانی بر همه کارها مراقبت داشته باشی، مراقبت از خویشان یا پروردگار یا قیامت که در این روایات آمده همه به یک معنی است؛ یعنی، مراقب اعمال و اخلاق خویش بودن، و نظارت دقیق بر آن داشتن، و همه روز و در همه حال و در هر جا به کارهایی که از وی سر می‌زند، توجه کند.

«الم يعلم بان الله یری»؛ (علق/۱۴) آیا انسان نمی‌داند که خدا او و اعمالش را می‌بیند که هم اشاره به مراقبت پروردگار نسبت به اعمال انسان است، و هم اینکه او باید مراقب خویش باشد. انسان بعد از عهد و پیمان با خویش برای اطاعت فرمان الهی و پرهیز از گناه باید مراقب پاکی خویش باشد، چرا که اگر غفلت کند، ممکن است تمام شرط و پیمان‌ها به هم بریزد.

۱۲. گذشت و مدارا

یکی از کارسازترین ابزار مدیران، مدارا با سایر همکاران و زیردستان است. قرآن کریم می‌گوید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»؛ (اعراف/۱۹۹) [ای پیامبر ما در کارهایت] گذشت و مدارا را سرلوحه قرار بده و عذرشان را بپذیر و آنان را به نیکی دعوت کن و از جاهلان و نادانان دوری نما



این آیه دربرگیرنده بهترین درس‌های اخلاق است و به گفته امام صادق (ع) آیه‌ای در قرآن نیست که مانند این آیه مکارم اخلاق را جمع کند. در این آیه خداوند پیامبر خود را به سه چیز فرمان می‌دهد:

نخست اینکه عفو و بخشش را پیشه خودساز و در پیش گیر. عفو و گذشت یکی از صفات کریمه انسانی است و انسان‌های بزرگوار با درگذشتن از لغزش‌های دیگران کرامت نفس خود را ثابت می‌کنند. و به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) عفو در حال قدرت، شکرانه قدرت است. دوم اینکه به نیکی امر کن. اینکه کسی دیگران را به نیکی‌ها دعوت می‌کند خود اهل نیکی است و این یک وظیفه الهی و انسانی برای همه افراد است که مردم را به سوی نیکی‌ها سفارش کنند.

سوم اینکه از نادانان روی گردان. وقتی سخن اصلاح‌طلبانه در یک فرد جاهل اثر نکرد و انسان مورد مسخره او قرار گرفت بهترین شیوه این است که با کرامت از او روی گرداند و پرخاشگری نکند. این شیوه ممکن است در شخص نادان اثر بگذارد و او از کرده خود پشیمان شود و همین مقدمه‌ای بر هدایت او باشد. (جعفری، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۳۰۳)

عفو و گذشت یکی از این مکارم والا و بلکه به قول امام علی (علیه‌السلام) تاجی زینت بخش بر سر همه آن‌هاست: «العفو تاج المکارم؛ گذشت زینت بزرگوار هاست (آمدی، ۱۳۷۸، ۱: ۱۴۰، ح ۵۲۰).

«فَمَنْ عَفَىٰ لَّهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ، فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَادِّأْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ...»؛ (بقره/۱۷۸) پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود مورد عفو قرار گیرد (و از قصاص او صرف نظر شود) باید از راه پسندیده پیروی کند و (دیه را) با نیکی به عفوکننده بپردازد؛ «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَدَىٰ وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ»؛ (بقره/۲۶۳) (گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو و گذشت از

خشونت‌های آنان از بخششی که آزادی در پی آن باشد، بهتر است و خداوند، بی‌نیاز و بردبار است.

۱۳. علم و حکمت

یکی از اصولی که مدیران اسلامی باید از آن بهره‌مند باشند؛ علم و حکمت می‌باشد تا در پرتو آن بتوانند مدیریت عالمانه‌ای داشته باشند. خداوند متعال در سوره آل‌عمران می‌فرماید: «وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ»؛ (آل‌عمران/۴۸) [خداوند] به او یعنی حضرت عیسی(ع)، کتاب و حکمت و تورات و انجیل را می‌آموزد.

در تفاسیر شیعه و سنی ذیل این آیه چنین آمده که مراد از تعلیم کتاب، آموزش خط و نوشتن است و مراد از حکمت، آگاهی بر مصالح و مفاسد اشیاء و افعال و اخلاق و عقاید است، خواه آثار دنیوی باشد، خواه اخروی(قرائتی، ۱۳۸۸، ۲: ۶۵). پس یکی از اصول و شرایط رهبری الهی، داشتن آگاهی‌های لازم است. آگاهی بر اساس علم و حکمت و کتب آسمانی. مدیر و رهبر در هر زمانی باید به حوادث و قوانین گذشته نیز آگاه باشد.

۱۴. بی‌توجهی به دنیا و ریاست

یکی از آفات بزرگ مدیریت، دل‌بستگی به ریاست و جاه و مقام است. این توجه در بسیاری موارد باعث خطا و لغزش‌های فراوان می‌شود و لغزش غالب مدیران از این ناحیه می‌باشد. قرآن کریم بارها به پیامبرش خطاب می‌کند که بگو و بگو که: «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي»؛ (هود/۵۱) ای مردم من از شما پاداشی (مقامی، قدرتی، ریاستی) نمی‌خواهم. پاداش و اجر من فقط در نزد خالق من است. یعنی من وابسته این‌ها نیستم. من رسول خدایم و در پی انجام رسالت عظیم الهی هستم و خود را دل‌بسته به آنچه شما می‌دانید



نمی‌دانم. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «حب الرياسة رأس المحن؛ اصل همه گرفتاری‌ها و غم‌ها، دوستی ریاست است» (آمدی، همان: ۴۸۰). زیرا آن کس که بر ریاست دل بسته است همه موفقیت خود را در حفظ آن می‌داند و تلاش می‌کند تا آن را برای خود نگه دارد و در راه آن تن به هر خطا و اشتباهی می‌دهد.

۱۵. امین و امانت‌داری

خداوند متعال در قرآن کریم آنگاه که از پیامبران الهی علیهم‌السلام یاد می‌کند، آنان را به اوصافی شایسته می‌ستاید، از جمله حضرت یوسف (علیه‌السلام) را به عنوان «مکین، امین» دارای منزلت عالی و امانت‌دار می‌خواند. قرآن خطاب به مؤمنان می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ»؛ (انفال/ ۲۷) ای مؤمنان به خدا و پیامبرش خیانت نکنید و امانت‌دار خود (یکدیگر) باشید.

«لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ» طبری: ابن عباس گفته است: مقصود از «اماناتکم» وظائف و عبادات مردم است؛ ابن زید گفته است: مقصود این است: یعنی خیانت در دین نکنید و منافق نباشید. (عاملی، ۱۳۶۰ ش، ج ۴، ص ۳۱۲)

همه ادیان مقدس الهی، خصوصاً اسلام در تقویت این صفت نیک توصیه‌های فراوان کرده‌اند. قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»؛ (نساء/ ۵۸) همانا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهل آن بدهید.

یکی از منفورترین اخلاق‌ها و زشت‌ترین موارد اجتماعی، خیانت در امانت است، به‌ویژه آنکه جنبه عمومی و همگانی داشته باشد، زیرا آنچه به دست مدیران سپرده شده امانتی از طرف مردم به آنان است و خیانت در آن‌ها خیانت به همه جامعه به حساب می‌آید. چنین است که در داستان حضرت موسی علیه‌السلام و دختران شعیب، جهت سپردن کار به حضرت موسی



علیه‌السلام دو شاخصه بیان می‌شود: یکی قوت و توانایی است و دیگری امانت‌داری و این هر دو لازمه یک مدیر شایسته است که در مسئولیت پذیرفته شده، توانمند و امانت‌دار باشد.

نتیجه

به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان داده مدیریت با اخلاق نیکو رابطه‌ای تنگاتنگ داشته و به بهینه‌سازی عملکرد، تعهد، روابط، منابع انسانی و... تأثیر مثبت و مستقیم دارد. اخلاق، ستون و ساختمان مدیریت است. مدیران می‌توانند با تمسک به قرآن به درک عمیقی از قرآن برسند و فرهنگ قرآنی را در جامعه پیاده سازند و این میسر نمی‌شود مگر اینکه مدیر با نصب‌العین قرار دادن دستورات قرآن، یعنی مرجعیت قرار دادن آن در حوزه نظر و صحنه عمل داشته باشد. مدیران با رعایت اخلاق خوب، بهتر می‌توانند مدیریت کنند و در سازمان‌ها آرامش بیشتری به وجود بیاورند،

با رعایت اخلاق، روابط کارگر و کارفرما، رئیس و مرئوس، بهتر خواهد شد و در نتیجه مدیریتی مملو از آسایش و آرامش به همراه خواهند داشت. مدیران با حُسن اخلاق و خلق و خوی پسندیده و رفتار و کردار شایسته می‌توانند بیشتر در افراد زیردست تأثیر بگذارند و کارایی سازمان را بالا ببرند. عمل به دستورات اخلاقی که در قرآن به آن اشاره شده ضامن سعادت و رستگاری مدیران هستند.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

ابطحی، سید حسین، اخلاقیات در مدیریت، نامه پژوهش، شماره ۵، تهران، ۱۳۸۲ ش.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح:

ناصر، محمد مهدی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ ق.

الهامی نیا، علی اصغر، اخلاق اسلامی، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۱ ش.

الوانی، سید مهدی، اخلاقیات و مدیریت به سوی نظام اخلاقیات یکپارچه در سازمان،

فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۴۱-۴۲، تهران، ۱۳۸۳ ش.

امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن.

تقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی،

چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران، برهان، ۱۳۹۸ ش.

جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، موسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۶ ش.

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، سیره پیامبران در قرآن، مرکز نشر

إسراء، چاپ دهم، ۱۳۷۹ ش.

حیدری تفرشی، غلامحسین؛ خدیوی، اسدالله؛ یوسفی، رضا، تئوری‌های سازمان و

مدیریت در دنیای پسامدرن، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۹۱ ش.

دیوبندی، محمود حسن، تفسیر کابلی (از دیدگاه اهل سنت)، تهران، احسان، ۱۳۸۵ ش.

راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت،

دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.



- رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.
- رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷ش.
- سامی، میر مسعود، اخلاق و تربیت اسلامی (۱)، بخش دوم، ۱۳۶۸ش.
- سرمدی، محمدرضا، مدیریت اسلامی، قم، دانشگاه پیام نور با همکاری انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲ش.
- سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر، تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة، مترجم: رضا خانی، محمد و ریاضی، حشمت‌الله، تهران، سرالاسرار، ۱۳۷۲ش.
- سید کریمی حسینی، عباس، تفسیر علین، قم، اسوه، ۱۳۸۲ش.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی، محمدباقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مترجم: عبدالحمیدی، علی و دیگران، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵ش.
- عابدی شریانی، علی‌اکبر، سید جلیلی، مهرداد، نصر اصفهانی، علی، «بررسی ارتباط بین سیرت نیکو با تعهد سازمانی و سکوت سازمانی»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۲۳، صص ۱۰۷-۱۳۰، ۱۳۹۴ش.
- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، مصحح: غفاری، علی‌اکبر، تهران، کتاب‌فروشی صدوق، ۱۳۶۰ش.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز نشر درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸ش.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر، تفسیر احسن‌الحديث، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۵ش.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة.



- مصباح یزدی، محمدتقی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ش.
- مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۵۳ش.
- مغیبه، محمدجواد، ترجمه تفسیر کاشف، مترجم: دانش، موسی، قم، بوستان کتاب قم)
- انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، (۱۳۷۸ش
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۱ و ۲، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۷۸ش.
- میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدۃ الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
- نصر اصفهانی، علی و همکاران، «بررسی تأثیر ادراک از سیرت نیکوی مدیران بر اعتماد سازمانی»، فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۴، صص ۶۵۷-۶۷۴، ۱۳۹۴ش.
- نصر اصفهانی، علی، «سنجش سیرت نیکوی مدیران»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۲۷، ۱۳۸۹ش.
- نصر اصفهانی، علی؛ شکرچی‌زاده، زهرا «بررسی تأثیر سیرت نیکو بر اثربخشی کارگروهی»، پژوهش‌های مدیریت در ایران، شماره ۱، صص ۱۵۶-۱۵۷، ۱۳۹۵ش.

پرتال جامع علوم انسانی